

حراج نوزاد در اینستاگرام!

سنگ اندازی بهزیستی در سپردن کودکان بی سرپرست به افراد واجد شرایط سبب تولید جرم می‌شود

«مادران و پدرانی که صاحب فرزند نمی‌شوند غصه نخورید یا پر داخت ۱۰۰میلیون تومان فرزند دلخواهتان را از ما تحویل بگیرید.» این نوشته صفحه اینستاگرام زن آرايشگری بود که هم‌را نامزد و دو شاگردش در فضای مجازی اقدام به خرید و فروش نوزاد می‌کردند.

به گزارش جوان، چندی قبل مأموران پلیس تهران در رصد فضای مجازی با آگهی فروش نوزاد روبه‌رو شدند که حکایت از این داشت فرد یا افراد ناشناسی با راه اندازی صفحه‌ای در اینستاگرام اقدام به فروش نوزاد دختر و پسر می‌کنند. در صفحه شخصی این افراد خطاب به زنان و مردانی که صاحب فرزند نمی‌شوند نوشته بود «مادران و پدرانی که صاحب فرزند نمی‌شوید غصه نخورید یا پرداخت ۱۰۰ میلیون تومان فرزند دلخواهتان را از ما تحویل بگیرید.» مأموران در بررسی‌های تخصصی خود دریافتند با باند حرفه‌ای خرید و فروش نوزاد در فضای مجازی روبه‌رو هستند که هر نوزاد پسر یا دختر را به مبلغ ۱۰۰ میلیون تومان به‌افراد پولدار می‌فروشند.مأموران در تحقیقات تخصصی به ردیاب زن جوانی به‌نام پریسا رسیدند که مشخص شدی این صفحه شخصی را در فضای مجازی راه‌اندازی کرده‌است و همراه چند زن و مرد دیگر اقدام به خرید و فروش نوزاد می‌کنند.

■ رد پای زن آرایشگر در خرید و فروش نوزاد
پری‌سی‌ای مأموران نشان داد پریسا قرار است به زودی نوزاد دختری را به زن و مرد پولداری به مبلغ ۱۰۰ میلیون تومان بفروشد.بنابر این متهم را به‌صورت نامحسوس زیر نظر گرفتند و چند روز قبل وی را همراه همدستش شهروز هنگام فروش نوزاد دختر به زن و مردی دستگیر کردند.

متهمان پس از انتقال به اداره پلیس به جرم خود اقرار کردند.

■ حرف‌های خریدار نوزاد دختر

زنی که همراه شهروز قصد خرید نوزاد دختر را داشت، گفت: چند سالی است از ازدواج من و شهروز می‌گذرد. در این مدت ما چچه‌دار نشدیم و حتی به پزشکان متخصص هم مراجعه کردیم اما فایده‌ای

نداشت. سال‌های ابتدایی زندگی شیرین و گرمی داشتیم اما هر روز که می‌گذشت زندگی ما شیرینی و گرمی خودش را کم می‌زدست می‌داد به‌طوری‌که این اواخر من و شهروز زندگی سردی را تجربه می‌کردیم. همیشه حسرت مادرانی را می‌خوردم که فرزندی در آغوش داشتند و آرزو می‌کردم روزی من هم فرزندم را در آغوش بگیرم تا اینکه با دیدن آگهی فروش نوزاد در فضای مجازی جرقه‌های امید به زندگی ما زده شد و من و شهروز تصمیم گرفتیم با صاحب آگهی تماس بگیریم و نوزادی از آنها بخریم و دوباره به زندگی مان گرمی ببخشیم. وقتی با صاحب آگهی که زن جوانی بود تماس گرفتیم او گفت نوزاد دختری سراغ دارد که پدر و مادرش به خاطر مشکلات مالی حاضرند به مبلغ ۱۰۰ میلیون تومان بفروشند. قرار شد ما ۱۰۰ میلیون تومان به آنها بدهیم و در عوض پدر و مادرش نوزاد را

با شناسنامه به ما تحویل بدهند. سرانجام روز موعد فرا رسید اما خبر نداشتیم که زن جوان به صورت غیرقانونی قصد دارد به ما نوزاد بفروشد.

■ اعتراف متهم به خرید و فروش نوزاد

پریسا و شهروز هم در بازجویی‌ها به جرم خود با همدستی دو دختر جوان دیگر اعتراف کردند.مأموران همزمان با ادامه تحقیقات دو همدست متهمان را دستگیر کردند.

پریسا در بازجویی‌ها گفت: من آرایشگاه دارم و مدتی قبل با نامزدم شهروز و دو شاگردم باند فروش نوزاد اینستاگرامی را تشکیل دادیم.وی در شرح ماجرا گفت: چند سالی بود که برای دین یکی از دوستانم که در مرکز نابآوری مشغول به کار است به آن مرکز رفت و آمد داشتیم. در این مدت با زنان و مردان زیادی مواجه شدم که حاضر بودند برای اینکه فرزندی داشته‌باشند



مبالغ زیادی را پرداخت کنند همان زمان این نقشه‌به ذهنم رسید تا زنان بارداری را که قصد دارند جنین‌شان را سقط کنند شناسایی کنم و با وعده پول‌های کلان از آنها بخواهم نوزادشان را بدینا بیاورند و به من بفروشند و من هم بعد به افراد پولدار بفروشم. بدین ترتیب همراه دادیم و او هم نوزاد را جلوی در خانه ما را کرد و رفت نامزد و دو شاگردم باند فروش نوزاد را تشکیل دادیم و قرار شد هر یک از اعضای باند در مناطق جنوبی تهران زنان بارداری که به‌صورت ناخواسته باردار شده‌بودند، شناسایی کنند و بعد اقدام به خرید نوزاد آنها کنیم.

مدتی گذشت تا اینکه چند ماه قبل در جنوب تهران با زن بارداری آشنا شدم که قصد داشت جنینش را سقط کند. او گفت که صیغه مرد معاندی بوده و به صورت ناخواسته بار دار شده‌است و الان قصد دارد سقط جنین کند. چند روزی باو حرف زدم و نهایت راضی شدن نوزادش را بدینا بیاورد و به مبلغ ۳۰ میلیون

ناله‌های مرگبار از داخل گونی سر بسته

ناله‌های دردناک مرد کارتن‌خواب از داخل گونی سر بسته باعث شد، مرد رهگذری به کمک او برود، اما وی پس از انتقال به بیمارستان بر اثر شدت جراحات به کام مرگ رفت.

به گزارش جوان، ماجرا از این قرار بود که ساعت ۲ بامداد پنج‌شنبه ۱۳ مردادماه امسال مرد رهگذری در حال عبور از یکی از خیابان‌های حوالی بزرگراه ارتش بود که متوجه ناله و ضجه‌های مردی شد که صدایش از آن نزدیکی به گوش می‌رسید. مرد رهگذر که کنج‌کاو شده‌بود در ناله و ضجه‌ها را در تار یک شب دنبال کرد تا اینکه دقایقی بعد به گونی سر بسته‌ای در گوشه خیابانی رسید که صدای ناله از آن بلند می‌شد. وی به سرعت در گونی را باز کرد و با پیکر خونین و نیمه‌جان مرد جوانی روبه‌رو شد که به شدت زخمی شده بود. در حالی که مرد زخمی هم‌زمان با ناله‌های دردناک زیر لب کلمات نامفهومی را تکرار می‌کرد مرد رهگذر موضوع را به مأموران پلیس و اورژانس خبر داد که خیلی زود تیمی از مأموران کلانتری ۱۶۴ قائم در محل حاضر شدند و مرد زخمی را به بیمارستان منتقل کردند. در حالی که تحقیقات درباره این حادثه ادامه داشت به مأموران خبر رسید که مرد زخمی به خاطر شدت ضرباتی که به ناحیه سرش وارد شده‌است در بیمارستان فوت کرده‌است. با اعلام خبر مرگ مرد جوان پرونده تازه‌ای شد و تیمی از کارآگاهان اداره‌دهم پلیس آگاهی به دستور بازپرس ویژه قتل داسداری امور جنایی تهران برای بررسی وارد عمل شدند.

مردی که موضوع را به مأموران پلیس خبر داده‌بود، گفت: ساعت ۲ بامداد بود که برای خرید قرص سر دردی به داروخانه رفتم. وقتی به خانه بر می‌گشتم ناگهان صدای ناله‌ای به گوشم رسید. یک لحظه انگار کسی به من دستور توقف داد که صدای ناله‌ها و ضجه‌ها بیشتر شد. بی‌درنگ به طرف صدای رفتم که باگونی دربسته‌ای روبه‌رو شدم که صدای ناله‌هایی از آن بیرون می‌آمد در حالی که شوکه شده‌بودم به گونی نزدیک شدم و فهمیدم که مردی داخل آن گرفتار شده‌است. وقتی در گونی را باز کردم با پیکر خونین مردی روبه‌رو شدم که خون از سرش بیرون می‌آمد. مشخص بود که فرد یا افرادی او را کتک زده و بعد هم او را داخل گونی کرده و در آن منطقه رها کرده‌اند. بلافاصله برای نجات جانش با اداره پلیس و اورژانس تماس گرفتم و او را به بیمارستان منتقل کردم.

بررسی‌های تیم جنایی نشان داد مقتول که کارتن‌خواب است با اصابت سه‌ضربه‌ای میله آهنی در مکان دیگری زخمی شده و بعد حاصل با عاملان آن پیکر او را که ابتدا فکر می‌کردند همان لحظه فوت کرده‌است داخل گونی گذاشته و در یکی از خیابان‌های شمال شرقی تهران رها کرده‌اند. در شاخه دیگری از تحقیقات مأموران دریافتند تعدادی زیادی از کسبه آن محل مقتول را می‌شناسانند که کارتن‌خواب بوده‌است و به او نیز کمک می‌کرده‌اند. مرد رستوران داری به مأموران گفت: مقتول کارتن‌خواب بود و زمانی که گر سته می‌شد به رستوران من می‌آمد و به او غذا می‌دادم. او مرد بی‌آزاری بود تعجب می‌کنم که او را به قتل رسانده‌اند.

هم‌زمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی مأموران تحقیقات گسترده‌ای برای شناسایی عامل با عاملان قتل مرد کارتن‌خواب آغاز کردند.

قتل مرعوز روانپزشک باشلیک گلوله

پزشک میان‌سال با شلیک چند گلوله در خانه‌اش حوالی شمال تهران به طرز مرعوزی به قتل رسید.

به گزارش جوان، ساعت ۱ صبح روز جمعه اول شهریور مأموران کلانتری ۱۲۴ قلچک با تماس تلفنی شهروندی از زخمی شدن مرد میان‌سال با شلیک گلوله در خانه‌اش با خبر و راهی محل شدند.

مأموران در محل حادثه که طبقه اول ساختمان مسکونی بود با پیکر خونین مرد ۵۰ساله‌ای به نام اردشیر روبه‌رو شدند که با اصابت چند گلوله به شدت زخمی شده‌بود. پس از این مأموران پیکر نیمه‌جان مرد زخمی را به بیمارستان شهدای تجریش منتقل کردند. در حالی که تحقیقات درباره این حادثه ادامه داشت مأموران دریافتند وی بر اثر خونریزی شدید در بیمارستان جان باخته‌است. بدین ترتیب تیمی از کارآگاهان اداره‌دهم پلیس آگاهی تهران برای بررسی موضوع به دستور بازپرس ویژه قتل دادرسی امور جنایی تهران وارد عمل شدند. تحقیقات مأموران نشان داد مقتول، روانپزشک و مدتی است در خانه‌اش به تنهایی زندگی می‌کند. همچنین مشخص شد ساعتی قبل همسایه مقتول متوجه صدای شلیک گلوله‌ای می‌شود و پس از کشف پیکر خونین روانپزشک داخل خانه‌اش موضوع را به پلیس خبر می‌دهد.

مرد همسایه به پلیس گفت: داخل خانه‌ام بودم که صدای مهیبی مانند شلیک گلوله به گوشم رسید. بلافاصله از خانه بیرون آمدم که دیدم چند مرد ناشناس از خانه مقتول خارج شدند و به سرعت از محل گرختند. در خانه او باز بود که وارد شدم و دیدم همسایه‌مان غرق در خون نقش بر زمین شده‌است.

مأموران تحقیقات گسترده‌ای را برای شناسایی عاملان قتل روانپزشک آغاز کردند. جسد مقتول برای انجام آزمایش‌های لازم به پزشکی قانونی فرستاده شد.



تصادف مرگبار اتوبوس با کامیون

تصادف اتوبوس مسافربری با یک‌دستگاه کامیون در محور طبسی به یزد یک کشته و شش مجروح برای گذاشت.

به گزارش جوان، سرهنگ علیرضا رضایی، رئیس پلیس‌اه خراسان جنوبی گفت: این حادثه بامداد روز گذشته در کیلومتر ۱۵۰ این محور اتفاق افتاد و مأموران پلیس بعد از حضور در محل متوجه شدند راننده اتوبوس به علت شدت جراحات جان باخت‌است و شش سرنشین این خودرو هم مجروح شده‌اند که به بیمارستان منتقل شدند. وی ادامه داد: سرنشینان اتوبوس کاروان زائران امام رضا(ع) بودند که از مشهد به سمت یزد می‌رفتند که دچار حادثه شدند. سرهنگ رضایی علت حادثه را عدم توجه به جلو راننده اتوبوس ناشی از خستگی و خواب‌الودگی راننده اتوبوس اعلام کردند.

آگهی مفقودی

بِـرگ سبـز و سبـد مالکیت مـوتورسیکـلت نامـی تیـپ Di۱۵C۱۲۸ به شماره پلاک ۸۶۹۴۷-۳۲۲ شماره موتور ۱۵۷۲۳۴۷ CE+ و شماره شاسی ۱۱۵۲۶۷۰ متعلق به آقای حسین امیری مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. کرج

خواستگار در خواست قصاص گوش کرد



مردی که با همدستی پسرعموش گوش خواستگار خواهرش را بریده بود در جلسه محاکمه با درخواست قصاص از سوی شاکی مواجه شد.

به گزارش جوان، ۱۳ اردیبهشت‌سال ۹۶ مأموران پلیس از درگیری منجر به قطع عضو مرد جوانی در یک کارگاه حوالی دانشگاه آزاد پرند باخبر و راهی محل شدند. اولین بررسی‌ها نشان داد امید ۲۵ساله در جریان درگیری بادو پسرعمو به شدت مجروح و قسمتی از لاله گوش وی بریده‌شده‌است. مرد جوان به بیمارستان منتقل شد و تحت عمل جراحی قرار گرفت. وی بعد از بهبودی از دست شکایت کرد و در توضیح به مأموران گفت: «در کارگاهی حوالی دانشگاه آزاد پرند مشغول کار شده بودم. شب حادثه‌د مرد جوان در حالیکه صورت‌شاکی را پوشانده بودند وارد کارگاه شدند و با تیرکی شب مرا به شدت کتک زدند. آنها بعد از ضرب و جرح، لاله گوش راستم را بریدند و گرختند.»

با طرح این شکایت تحقیقات برای شناسایی دو مرد جوان آغاز شد تا اینکه در روند تحقیقات برادرشاکی به‌عنوان یکی از شاهدان حادثه مأموران را از اختلاف برادرش با خانواده دختر موردعلاقش باخبر کرد و گفت: «مدتی قبل امید به خواستگاری دختر یکی از اقوام به نام مریم در شهرستان نورآباد رستان رفته‌بود، اما خانواده آن دختر با این ازدواج مخالفت کردند و گفتند چرا امید به تنهایی دخترشان را خواستگاری کرده‌است. همین باعث اختلاف شد

سرقت از سالخوردگان در پوشش مأمور امدادخودرو

معجم سابقه‌دار که در پوشش امداد خودرو از اتندگان سالخورده سرقت می‌کرد، بازداشت شد و به جرمش اعتراف کرد.

به گزارش جوان، چندی قبل شکایت‌های مشابهی درباره سرقت در پوشش امدادخودرو به کلانتری عباس‌آباد گزارش شد.بررسی‌ها حکایت از این داشت

که همه شاکیان مردان سالخورده هستند که در دام مأمور قلابی امداد خودرو گرفتار شده‌اند. یکی از آنها گفت: من در حال رانندگی با خودروی خودم بودم که راکب یک موتورسیکلت که لباس و نشان امدادخودرو داشت با اشاره به من فهماند که ماشینم دچار نقص فنی شده و از من خواست کنار خیابان توقف کنم که توقف کردم. آن مرد خودش را مأمور امدادخودرو معرفی کرد و مدعی شد که رادیاتور ماشینم سوخته شده و باید نقص فنی‌اش را برطرف کند. من کاپوت ماشین را زدم و او شروع به کار کرد. لحظاتی بعد گفت که کارش تمام شده و باید ۲۹هزار ۵۰۰تومان از طریق عابر بانک به حساب شرکت واریز کنم. پس از آن ردو به کنار عابر بانک رفتم و از آن‌جا که کار با